

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ فلسفه

فصلنامه علمی پژوهشی انجمن علمی تاریخ فلسفه

سال هشتم، شماره دوم، پاییز ۱۳۹۶ [پیاپی ۳۰]

مدیر مسئول: آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای
سر دبیر: دکتر حسین کلباسی اشتری
مدیر اجرایی: مهدی سلطانی
ویراستار فارسی: فاطمه محمد
صاحب امتیاز: انجمن علمی تاریخ فلسفه
ناشر: بنیاد حکمت اسلامی صدرا
مترجم انگلیسی: دکتر رؤیا خوبی
ویراستار انگلیسی: دکتر علی نقی باقرشاهی

اعضای هیئت تحریریه:

حمیدرضا آیت‌اللهی، استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی
عبدالرزاق حسامی‌فر، دانشیار فلسفه دانشگاه بین‌المللی امام خمینی
نصرالله حکمت، استاد فلسفه دانشگاه شهید بهشتی
رضا داوری اردکانی، استاد فلسفه دانشگاه تهران
محمدتقی راشد محصل، استاد فرهنگ و زبانهای باستانی دانشگاه تهران
احد فرامرز قراملکی، استاد فلسفه دانشگاه تهران
حسین کلباسی اشتری، استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی
سیدمصطفی محقق داماد، استاد حقوق دانشگاه شهید بهشتی
فتح‌الله مجتبایی، استاد ادیان و عرفان دانشگاه تهران
کریم مجتهدی، استاد فلسفه دانشگاه تهران

نشانی: تهران، بزرگراه رسالت، روبروی مصلاهی بزرگ تهران، مجتمع امام خمینی (ره)، ساختمان شماره ۱۲.

صندوق پستی: ۶۹۱۹ - ۱۵۸۷۵ **تلفن:** یگیری مقالات: ۸۱۵۳۲۲۱؛ اشتراک و فروش: ۸۱۵۳۵۹۴

مرکز تدوین: ۸۱۵۳۴۹۴؛ **نمبر:** ۸۸۴۹۳۸۰۳

www.hop.mullasadra.org **Email:** SIPRIIn@mullasadra.org

چاپخانه: شادرنگ

شاپا: ۲۰۰۸-۹۵۸۹

براساس ابلاغیه شماره ۳/۱۸/۵۴۷۳۳ مورخ ۹۲/۴/۱۹ کمیسیون نشریات علمی کشور، فصلنامه تاریخ فلسفه دارای درجه علمی پژوهشی است. این فصلنامه در پایگاه‌های: ISC, Philosopher's Index و noormags نمایه میشود.

راهنمای تدوین مقاله

۱. فصلنامه تاریخ فلسفه نخستین نشریه تاریخ فلسفه در ایران است و مقالاتی را منتشر خواهد کرد: به روش پژوهشی اصیل و بنیادی تألیف شده باشد و حاوی نظریه، نگرش انتقادی، تحلیل تطبیقی یا برداشتی بدیع باشد.
۲. مقالات باید در حوزه تاریخ فلسفه و علوم عقلی، مطالعات تطبیقی، ریشه‌شناسی مکاتب و آراء فلسفی، یا سایر موضوعات تخصصی تاریخ فلسفه باشد.
۳. فصلنامه تاریخ فلسفه از مقالات برگرفته از آثار پژوهشی و پایان‌نامه‌های تحصیلی، با رعایت استنادات و ضوابط علمی مقرر، استقبال میکند.
۴. مطالب منتشر شده در فصلنامه تاریخ فلسفه بیانگر نظر و عقیده نویسندگان است و از این بابت مسئولیتی متوجه نشریه نیست.
۵. مقالات برگردان از زبانهای غیر فارسی یا مقالاتی که در جایی دیگر منتشر شده باشند، یا همزمان به نشریه دیگری ارائه شده باشند، بطور کلی مورد بررسی قرار نخواهند گرفت.
۶. هیئت تحریریه فصلنامه در پذیرش، اصلاح و ویرایش مقالات آزاد است. همچنین ارسال مقاله به این فصلنامه بمنزله واگذاری حق تجدید چاپ مقالات منتشر شده به فصلنامه نیز هست و فصلنامه حق دارد چنانچه لازم باشد، نسبت به تجدید چاپ این مقالات بزبان فارسی یا هر زبان دیگری اقدام نماید.
۷. نویسندگان محترم باید مقالات خود را به آدرس الکترونیکی siprin@mullasadra.org ارسال کنند یا لوح فشرده حاوی فایل مقاله را به‌همراه نسخه مکتوب مقاله ارائه دهند. لازم است همراه مقاله، نامه‌ی مبنی بر درخواست بررسی و انتشار مقاله که حاوی اطلاعات دقیق: رتبه علمی، محل فعالیت، نشانیهای تماس (آدرس، تلفن، تلفن همراه، نمابر، ایمیل) و مختصری از سابقه فعالیت پژوهشی مؤلف ارائه شود.
۸. مقالاتی که به آدرس الکترونیک فصلنامه ارسال میشوند، در بخش «subject» پست الکترونیکی، عبارت «مربوط به فصلنامه تاریخ فلسفه» ذکر گردد.
۹. تمامی مقالات باید دارای عنوان، چکیده و واژگان کلیدی (به دو زبان فارسی و انگلیسی)، فصلبندی مناسب، نتیجه‌گیری و فهرست منابع باشد.
۱۰. حجم چکیده مقالات حداکثر ۱۵۰ کلمه و اصل مقالات حداکثر ۶۰۰۰ کلمه و در محیط word تایپ شده باشد.
۱۱. مقالات دریافتی بهیچوجه مسترد نخواهد شد.
۱۲. فرایند ارزیابی مقالات دریافتی بشرح ذیل خواهد بود:
ویراستار علمی ← دو نفر از اساتید متخصص درباره موضوع مقاله ← هیئت تحریریه ← سردبیر.
بدیهی است مقالاتی که در هر یک از مراحل فوق بتأیید نرسد، با ملاحظه سردبیر، از دستور کار خارج خواهد شد.
۱۳. پیگیری نتیجه ارزیابی مقالات بر عهده مؤلف(مؤلفان) است.

شیوه ارجاع دهی و ارائه مباحث فرعی تکمیلی:

- هرگونه مطلب توضیحی و تکمیلی که ارتباط مستقیمی با محور مقاله نداشته باشد، باید بصورت پی‌نوشت ارائه شود.
- ارجاعات در فصلنامه تاریخ فلسفه باید بصورت پی‌نوشت با ذکر «نام مؤلف، نام منبع مورد استفاده، شماره صفحه» ارائه شود.
- ذکر مشخصات کامل کتابشناسی منابع، در فهرست منابع ضروری است.
- منابع غیر فارسی به همان زبان اصلی باید قید شوند.



سخن سردبیر..... ۵

گذار از براهین آنسلم و دکارت به تقریری دیگر از برهان مفهومی بر
وجود خدا

امیر دیوانی..... ۹

اروس و تغییر معنای آن نزد پروکلوس

سعید بینای مطلق، محمدجواد سبزواری..... ۳۹

تبیین و بررسی انتقادی رویکرد ملامحمد نعیم طالقانی به نظریه وحدت
شخصی وجود

سیدشهریار کمالی سبزواری..... ۶۹

براهین ابن سینا برادراک حضوری ذات در بوته نقد و ارزیابی

سمیه اجلی، سحر کاوندی..... ۹۵

بررسی مذهب و مشرب کلامی یعقوب بن اسحاق کندی

افشین مؤذن..... ۱۱۹

عوامل تأثیرگذار بر نگرش حکیم زنوزی درباره معاد جسمانی

محمد مهدی مشکاتی، علی مستاجران گورتانی..... ۱۴۹

بررسی انتقادات فخررازی به براهین ابن سینا در مورد بعد مجردبودن
مکان با تأکید بر وجه تاریخی آن

احسان کردی اردکانی، محمود صیدی..... ۱۷۳



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در میان ادوار تاریخ فلسفه و مکاتب فلسفی، نام «مکتب نوافلاطونی» به جهات چندی ممتاز و شاخص است و در عین حال، برغم شهرت و گسترده‌گی تأثیر و نفوذ آن در سایر مکاتب و مسالک نظری و عملی، ابعاد و زوایایی از آن همچنان برای ما پوشیده مانده است. میدانیم که اصطلاح «مکتب نوافلاطونی» واژه‌ی مستحدث و رواج آن به اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم میلادی بازمی‌گردد و قبل از آن، علاقمندان و شیفتگان افلاطون خود را افلاطونی میدانستند و تمامی گرایش‌های به اندیشه افلاطون - به هر میزان و مرتبه - عموماً ذیل نام «افلاطونیان» و مشابه آن قرار می‌گرفت. در میان حکمای مسلمان - و از جمله ملاصدرا - پیروان افلاطون و اشراقیون در یک طبقه قرار داشتند، در حالی که در منابع غربی ایندو اغلب در دو گروه متمایز گنجانده شده‌اند. بررسی دلایل و زمینه‌های این نوع تقسیم‌بندی به مجالی مستقل نیازمند است و ما در اینجا تنها به ذکر ملاحظاتی چند پیرامون مناط این نام‌گذاری بسنده می‌کنیم.

۱. در فاصله ۲۴۰۰ سال از مرگ افلاطون (۳۴۷/۸ ق.م) تا زمان حاضر، طیف

- ۵ وسیعی از مکاتب فلسفی مستقیم و غیرمستقیم تحت نفوذ شخصیت و تفکر مؤسس بزرگ فلسفه یونانی بوده‌اند، بگونه‌ی که هر سنجی از تفکر فلسفی، پیوندی با نام افلاطون می‌یابد. اکنون می‌پرسیم دلیل قرار گرفتن گروهی از فیلسوفان و متألهان نامدار تاریخ فلسفه ذیل عنوان «افلاطونیان» چه بوده است؟ این در حالی است که میان این گروه از متفکران، برغم وجود شباهت‌های بسیار، تفاوت‌ها و بلکه ناهمانندی‌های فراوانی



در آراء و حتی روشهای نظری و عملی دیده میشود که ذکر برخی از آنها نیز خارج از حوصله این نوشتار است؛ برای نمونه با مطالعه آثار فرفورئوس، پروکلوئوس، یامبلیخوس، سیمپلیکیوس و مانند اینها که از چهره‌های برجسته این سنت فکری بشمار می‌آیند، اختلاف دیدگاههای آنان را با یکدیگر و حتی با مؤسس این مکتب یعنی افلوپتین (و استاد وی یعنی آمونیوس ساکاس) درخواهیم یافت. پس وجه اشتراک این گروه فیلسوفان در حکمت نظری و عملی چه بوده است؟

۲. اگر نام این نحله با نام افلاطون تعیین یافته است، در عین حال نیک میدانیم که در میان نوافلاطونیان - در هر سه دوره متقدم، میانه و متأخر- نام و اندیشه ارسطو سخت مورد توجه بوده و هست. این را نیز بخوبی میدانیم که آنان به اختلاف جدی و عمیقی میان افلاطون و ارسطو قائل نبوده‌اند و ای بسا برخی اختلافها را نیز به تأویل مرتفع ساخته‌اند. با اینهمه، نام پیروان افلاطون را برای خود برگزیدند و امروزه نیز که ردپای منطق و طبیعیات و اخلاق ارسطو در آراء نوافلاطونیان کاملاً مشهود است، همچنان بنام پیروان افلاطون شناخته میشوند. پاسخ محتمل آن است که بپتدید افلاطون و ارسطوی قدما با تصویری که امروزه از آنان نزد ما هست، تفاوت‌های اساسی دارد و شاید نزد نوافلاطونیان، ارسطو با عزل نظر از اختلاف در فکر و طریق، منحل در مقام و اندیشه استاد بوده است. پیش از این درباره تمایز تصویر قدیم و جدید از حکمت باستان نکاتی را مطرح ساختیم و اینک استادان و پژوهشگران این عرصه را به تأملی دوباره در مبادی و چرایی ظهور این اختلاف فرامیخوانیم.

۳. گفته شده است که این مکتب متأثر از نحله‌های نوفیثاغوری، پارمنیدی و نیز سنتهای عرفانی، غنوصی و رمزی مصری، هرمسی، بابلی و ایرانی، در واقع به تلفیقی استادانه میان آنها دست زده و هیئت تألیفی سترگی در توافق با الهیات دینی و وحیانی عرضه کرده است. این معنا شواهد متعددی دارد که صحت آن را به تواتر اثبات میکند، اما در عین حال میزان دقیق ربط و نسبت این مکتب با دو سنت رایج



دینی عصر یونانی مآب - یعنی یهودیت و مسیحیت - هنوز چندان روشن نیست. اگرچه برخی از چهره‌های نوافلاطونی در اواخر قرن پنجم و ششم میلادی به مسیحیت گرویده‌اند، لیکن در آغاز شکلگیری و تکوین این مکتب (یعنی قرن سوم)، نه تنها گرایش بلکه نوعی تقابل و ضدیت با مسیحیت آن عصر دیده می‌شود؛ بگونه‌یی که مثلاً در قرون وسطی، آثار فروریوس بدلیل نقد و نفی مسیحیت متداول سوزانده شد و اکنون هیچ اثری از آنها در دست نیست. بنظر میرسد مکتب نوافلاطونی دست‌کم در مقاطعی از این ادوار، با اتکای به شیوه‌های پالایش درونی، جذب و الهام، خود را متکفل پرکردن خلاء معنوی و دینی مخاطبان خود میدیده و ای بسا در مواردی در نقش نوعی الهیات عرفانی همراه با دستورات عملی ظاهر گردیده است. همچنین نسبت این سنت با جریانهای مهمی نظیر غنوصیه و آیینهای نظیر کابالیسم باید در سطح دقیقتری مورد کاوش قرار گیرد.

۴. در بسیاری از کتابهای تاریخ فلسفه و حتی نوشته‌های مربوط به تاریخ علم و تمدن و بویژه پژوهشهای حوزه شرق‌شناسی، از میزان و امداری حکمت و حکیمان مسلمان نسبت به مکتب نوافلاطونی بسیار سخن گفته شده و میشود. تردیدی نیست فلسفه اسلامی در مقولاتی چون نظریه صدور و فیض، مراتب موجودات، نسبت واحد و کثیر، حدوث و قدم، علم‌النفس، ماهیت طبیعت و سیر و تصعید نفس و مانند آن از نوافلاطونیان وام گرفته است، لیکن بنظر میرسد شرق‌شناسان در این موضوع قدری مبالغه کرده و اختلافات اساسی این دو سنت را چندان توجهی نداشته‌اند. از مهمترین وجوه تمایز این دو سنت، قدیم بودن عالم و خلقت از عدم

۷ است که سنت یونانی قائل به قدمت ذاتی عالم و فلسفه اسلامی با همه اختلاف مشارب، قائل به عدم قدمت عالم و خلق از عدم است. این اختلاف اندکی نیست و در بسیاری از ساحات فلسفی اثر خود را آشکار کرده است. همچنین در باب علم و اراده الهی میان این دو سنت، تمایزی آشکار است که مجال طرح آن در این مختصر



نیست. اما مهمتر از اینها میتوان نشان داد که در سطح تحولات تاریخ فلسفه، این مسلمانان بودند که همانند سنتهای افلاطونی و مشائی، میراث مهمی چون سنت نوافلاطونی را به غرب لاتینی و جدید شناساندند و از این جهت باید به نقش فعالانه و خلاقانه - و نه منفعلانه - حکمت اسلامی در تحرک اندیشه فلسفی در سطح عالم توجهی دوباره معطوف داشت. به این ترتیب برای مصون ماندن از آفت سطحی‌نگری و امیدهای کاذب، جستجویی مداوم و خوانشی متفاوت از تاریخ فلسفه ضرورت دارد.

سردبیر